Contents

[مقدمه: ادامه منابع شناخت 2](#_Toc85371741)

[عقل: 2](#_Toc85371742)

[شهود: 3](#_Toc85371743)

[رجوع به گواهان و شاهدان: 3](#_Toc85371744)

[انواع گواه: 3](#_Toc85371745)

[روش تحقیق در فقه تربیتی 4](#_Toc85371746)

[روش‌شناسی به معنای دوم: نحوه استفاده ازا ین منابع 5](#_Toc85371747)

[کلام آخر 7](#_Toc85371748)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

روش تحقیق در فقه تربیتی جلسه دوم

الحمدالله رب‌العالمین والصلاه و السلام علی سیدنا حبیب اله العالمین ابی القاسم محمد

# مقدمه: ادامه منابع شناخت

عرض کردیم آنچه در طول تاریخ بشر به‌تدریج هویدا شده بشر چهار پنج و بعضی می‌گویند شش یا هفت منبع و وسیله برای شناختن داریم. یکی حس بود که به شکل‌های عادی و آزمایشگاهی از آن استفاده می‌کنیم. اگر کسی می‌خواهد در پژوهش‌های تجربی تحقیق کنند کتاب خوبی است که می‌توانم دانلودش را بفرستم.

-همه دوستان گفته‌اند هم جزوه را می‌خواهم هم کتاب‌ها

-روش حسی‌اش آماده است به دوستان می‌توانید بدهید. به شما می‌دهم شما به دوستان بدهید.

# عقل:

اما عقل مشکل الآن ماست. ازنظر هستی شناختی توانایی کسب گزاره‌های معرفتی داشت و از طرف دیگر کشف مفاهیم معرفتی هم دارد. عقل علاوه بر اینکه می‌تواند کشف گزاره‌های هستی شناسانه بکند یا با مدل مبتنی بر مواد حسی یا غیر مبتنی بر مواد حسی و از طریق درون خودش و معارف حضوری خودش که اصطلاحاً به آن استدلال و برهان می‌گوییم. عقل ما علاوه بر کشف گزاره‌ها که در مثال الف ب است ب ج است می‌توانیم بگوییم الف ج است. این مال حس بیرونی بود اما اگر حس درونی و شهود را هم بگوییم می‌توانیم از طریق آنها هم گزاره‌هایی به دست بیاوریم که ام الاساس آنها نقیضان لایجتمعان و لایرتفعان است که بیش از این نمی‌توانم واردش شوم.

درزمینهٔ معرفت‌شناسی تصورات را هم عقل می‌تواند بفهمد. فیلسوفان ما در بحث‌های معرفت‌شناسی گفته‌اند تصورات کلی و مفاهیم را از طریق حس نمی‌توانیم به دست بیاوریم. هرچه مفاهیم کلی داریم از طریق عقل است. توان دیگر عقل اینکه از سویی مفاهیم جزئی را می‌تواند تبدیل به‌کلی کند که در فلسفه به آنها معقول ماهوی می‌گویند علاوه بر این‌ها راه دیگری هم دارد که می‌تواند معقولات خودش را از طریق مفاهیم حسی نه تجرید و انتزاع بلکه مقایسه که به آنها مقولات فلسفی می‌گویند و علاوه بر این‌ها به نظر بنده عقل ما می‌تواند مفاهیمی را کشف کند بدون اینکه وابسته به مفاهیم جزئی حسی باشد. از طریق این می‌توانیم هم متافیزیک و امور فرا مادی را بشناسیم و هم مجردات و ترانس فیزیک را بشناسیم. بحث‌های کانتی را از کنارش می‌گذریم.

عقل ما درزمینهٔ روش‌شناسی باید چه باید روشی چه باید ارزشی هم‌توان درک دارد. در قسمت حکمت عملی و وظایف و تکالیف هم توانایی کشف خوب و بدهایی دارد که در اصول فقه مستقلات عقلیه می‌گوییم. اینکه در اصول فقه فقه یعنی حکم یابی و بایدونبایدهایی که داریم قائلیم عقل توانایی دارد. بیشتر توضیح نمی‌دهم درجاهای دیگر این مباحث را کرده‌ام.

# شهود:

سومین روش شهود است. چندمعنا دارد. یکی علم حضوری و درون‌نگری است. هر فردی می‌تواند نسبت به خودش علومی را به دست بیاورد و شناخت‌های عرفانی و شهودی که داریم را بفهمد. معنای دیگر شهود که امروز به آن چشم سوم می‌گویند این‌که ما از طریق برخی اعمال و ریاضت‌های ذهنی فکری عملی می‌توانیم واجد توانایی‌هایی بشویم و از این طریق هم بشر شناخت‌هایی را به دست آورده و دانشی را تولید کرده است. تا اینجا همه آشنایید.

# رجوع به گواهان و شاهدان:

چهارمین چیزی که ما می‌توانیم از آن علم به دست بیاوریم این است که در مواردی می‌توانیم از طریق رجوع به گواهان و شاهدان به دست بیاوریم. در سه‌راه قبلی هر کس مستقیماً می‌تواند شناخت به دست بیاورد. اما در مواردی ماها به‌عنوان بشر به خاطر ضعف این سه ابزار نمی‌توانیم موضوعی را مورد شناخت قرار دهیم. اینجا لازم است رجوع کنیم به گواهی و شهادت دیگران. خدا گاهی می‌گوید افلا تعقلون افلا تذکرون. گاهی می‌گوید سیروا فی انفسکم گاهی هم می‌گوید فاسئلوا اهل الذکر. این اطلاق عنوانش رجوع به دیگران است.

مثلاً اگر خواسته باشیم به‌عنوان یک قاضی یکی از آنها دیگری را متهم به جرم می‌کند و شما می‌خواهید تحقیق کنید. به‌عنوان قاضی چشم و عقل و شهود دارید اما اینجا که ادعای جرم برای دیگری می‌کند راهی ندارید جز اینکه سراغ شاهدان و گواهان بروید. کسانی که گواهی دهند که فلانی جرمی انجام داده یا نه. راه دیگری نیست. چشم و عقل و شهود ما نمی‌توانند این کار را بکنند جز شهودات خاصی که بعضی دارند و همه این توانایی را ندارند. باید با شهادت دیگران برویم. گاهی شهادت شفاهی است و گاهی گفتاری.

# انواع گواه:

اگر تعمیم دهیم ما گزاره‌های تاریخی داریم. تحقیق درباره کربلا انسان‌ها و حتی والدین خودمان به‌وسیله گواهان است. یا انسان‌هایی که هستند یا اسناد و مدارک هزار سال پیش. پس باید سراغ شهادت و گواهان برویم. در ادبیات امروز گواهان را به دو قسم می‌توانیم تقسیم کنیم.

1. گاهی انسان‌های عادی‌اند. آنانی که در دادگاه‌ها هستند و در مباحث تاریخی هستند مثل ابن هشام و طبری و پدر و مادر که کودکی ما یادشان است.
2. گواهان معصوم. یعنی انسان‌هایی که ازلحاظ انسانی رشد یافته و تکامل‌یافته‌اند. انسان‌ها وقتی به توان بالایی برسند منتخب خدا می‌شوند. ان الله اختارکم می‌شود و لیاقتی که از طرف حق پیدا می‌کنند لایق دریافت پیام‌های خداوند می‌شوند که به آنها رسولان و انبیا و به این وحی می‌گوییم.

از طرف دیگر اگر می‌خواهیم در زندگی خودمان بعضی موضوعات را بشناسیم چاره‌ای جز رفتن در خانه پیامبران یا معصومین نداریم. اینجاست که وقتی ما می‌گوییم رجوع به گواهان منظورمان گواهان معصوم است نه گواهان غیر معصوم. در کتب تاریخ می‌گویند فلانی گفته بحث ما تاریخی نیست بلکه دینی است. چهارمین منبع ما خود دین است. امروز از گفتگو و مصاحبت با معصوم محرومیم و انشاء الله خدا امام زمان را برساند چیزی هست که در خدمت مجموعه مکتوباتی هستیم که دین یا وحیند قرآن و روایات پیامبر و معصومین که در کتب اربعه و دیگران است. در دیدگاه برادران اهل سنت محدود به پیامبر است.

پس چهارمین روش بشر در یهود مسیحیت و اسلام و حتی در ادیان غیر ابراهیمی این وجود دارد. در هندوییسم اوپانیشادهایی بسیاری است. بودا دائوئیسم کنفسیوییسم و عده زیادی مشغول به این مطالعات‌اند و آثار زیادی تولید کرده‌اند که از طریق مطالعه متون انسان‌های قبلی به دست آورده‌اند. ما هم کتب تفسیری و فقهی و دیگر کتب را از طریق مطالعه دین آوردیم.

# روش تحقیق در فقه تربیتی

پس چهار منبع اصلی را ذکر کردیم. اگر کسی از ما بپرسد دانش فقه تربیتی روش تحقیقش کدام‌یک از این چهار یا پنج‌تا هستند بدون تردید هر چهار تای این‌ها مورد تأیید است. منابع ما عقل و نقل است و نقل هم کتاب و سنت و سنت تقریر فعل و قول معصوم بعد اجماع و سیره است. ما به نقل دیگر می‌گویم اگر در مطالعات تربیتی اگر فقهی باشد منبعمان کتب آسمانی است چه قرآن چه تبیین‌های پیامبر و معصومین. این‌یک بحث است. اگر فقه تربیتی را اگر فقط ناظر به گزاره‌های حکمی و انشائی دین ببینیم از این چهار منبع می‌توانیم استفاده هر چهار تایش را بکنیم و اینکه چرا در فقه رایج ما دانش تجربی نمی‌گوییم بحث‌هایی است که فعلاً نمی‌کنم اما ما به‌عنوان تجربه هم می‌توانیم به‌عنوان مسلمات تلقی کنیم و آن را در محدوده عقل بیاوریم یعنی عقل ما هم مسلمات تجربی را می‌پذیرد و در تردیدی قرار نداریم. شهودمان هم گاهی می‌توانیم در محدوده مسلمات عقلی بیاوریم و چیزهایی که نقل می‌گوید. علاوه بر اینکه قائلیم نقل وحیانی اعم از قرآن و روایات ما و وحیی که به پیامبران دیگر می‌شود به‌طور مسلم فقیه ما هم در شناخت بایدها و نبایدها مسلمات ادیان دیگر هم برایش حجت است مگر آنهایی که نسخ شده باشد.به‌خصوص در بحث‌های تعلیم و تربیت به نظر می‌آید ما منسوخی نداریم درنتیجه می‌توانیم از ادیان الهی دیگر استفاده‌هایی داشته باشیم. این بحث‌های تربیت خیلی محل بحث ما هست. اینکه از ادبیات سنتی ما مطرح‌شده که منابع فهم حکم یا دستورات الهی چهار منبع است. قرآن کتاب و سنت و عقل و اجماع و این‌ها که می‌توانیم دو تا از این‌ها کنیم با متدولوژی جدید هم می‌توانیم بگوییم حواس البته دانش‌های حسی یقینی و عقل و شهود و برداشت‌های مطمئنی که از دین به دست داریم. برداشت‌های مطمئن یعنی آنهایی که با روش صحیح احکام دین را کسب کرده باشند.

فقه تربیتی به معنای عام اینکه برویم سراغ هر گزاره دینی که بیان واقعیت می‌کنند یعنی اعتقادات و دستورات می‌توانیم از هر چهار منبع استفاده کنیم. اما چیزی که محل بحث قرار می‌گیرد وقتی فقه تربیتی می‌گوییم کدام‌یک از این منابع اولویت دارد. چیزی که به‌صراحت می‌گویم و منتظر اشکالات و پاسخ هستیم این است که اولویت منبع ما در مطالعات فقه تربیتی اولویت با منقولات وحیانی است. ثانیاً به‌عنوان تعارض اگر بین برداشت‌های نقلی و عقلی شد اینجا هم بحث‌هایی هست که تعارض بین دین و عقل و عقل و نقل مطرح می‌شود می‌خواهیم بگوییم فی‌نفسه بین این دو تعارض به وجود نمی‌آید این تعارض‌هایی که گاهی مطرح می‌شود که علوم تربیتی چیزی می‌گوید و فقه تربیتی چیز دیگری می‌گوید این‌ها تعارض‌های بدوی است و برداشت‌های اولی است این به باور بنیادینی که ما داریم حکم الهی به قول بعضی فلاسفه ما عین حکم عقلانی است. چون شارع عقل کل است و راه دسترسی به‌حکم الله دو راه است یکی عقل و دیگری نقل و بین آنها در شناخت دستورات خدا درست است که دوگانگی وجود دارد اما درنتیجه تعارض ندارند. به این نکته توجه داشته باشید.

با این چهار منبع روش را به مفهوم دوم می‌گوییم. گاهی روش تحقیق یعنی منابع و ابزار شناخت چیست. امروز در علوم تربیتی یعنی دانش‌های تربیتی که از طریق تجربه به‌دست‌آمده می‌گویند منبع ما حس است به شکل تجربه و آزمایش و پژوهش‌های تجربی. دیگر این بحث‌ها محل بحثشان قرار نمی‌گیرد. مثلاً در دانش تعلیم و تربیت هم تصریح می‌کنند که منبع عقل است با معانی و کارکردهایی که عرض کردم و گاهی تا 20 کارکرد می‌گویند.

اما در دانش فقه تربیتی به هر دو معنا یعنی فقه تربیتی عام که شامل گزاره‌های مقدمی یعنی روانشناسی انسان و دانش‌هایی که می‌گوید انسان مطلوب چه انسان‌هایی است و دانش روش‌شناسی که سراغ بایدها و نبایدها می‌رود و دانش تکلیف شناسی که وظایف فرزندآوران را می‌گوید. در فقه تربیتی اولین چیزی که به‌صراحت بیان می‌کنیم این است که منبع اصلی ما قرآن کتاب سنت یا منقولات وحیانی است. دوم عقل البته نه مستقلات عقلی بلکه غیرمستقلات آن حال چه عقلی که فهم هستی شناختی دارد چه عقلی که خوب و بد و حسن و قبح را درک می‌کند. این دو منبع ماست. این‌یک معنای روش تحقیق است.

# روش‌شناسی به معنای دوم: نحوه استفاده ازا ین منابع

حال روش‌شناسی به مفهوم دوم را می‌گوییم. روش اول که معرفی منابع بود را داشتیم. اینجا که منبع می‌گویم منظورم از منبع ابزار وسایل و چیزهایی است که ما با توجه به آنها می‌توانیم راجع به آنها سؤال بدهیم و مجهولاتمان را حل کنیم. این‌یک معنای روش تحقیق است که مطالعات عمیقی در دنیا هست ما هم کتب خوبی داریم. اما معنای دوم روش تحقیق این است که با توجه به مشخص شدن منبع باید گفت چطور از این منبع استفاده می‌کنیم. چه روندی را باید طی کنیم. مثال بزنم که یک مقداری بحث قابل‌فهم بیشتری شود تا بتوانید انتقاداتی مطرح کنید

در علوم تجربی اگر گفتیم منبع من یا روش اول من حس است حس هم به معانی مختلفی مثل همبستگی یا آزمایشی یا مشاهده و... طرف می‌گوید اگر می‌خواهم آزمایش کنم چه روندی را باید به کار ببندم؟ روش که می‌گوییم به این دو معناست. سؤالاتی که مطرح‌شده را اگر وقت شد پاسخ می‌دهم اگر نشد منبع می‌فرستم. آزمایش و تجربه به چه نحوی؟ متغیر مستقل و وابسته را مشخص کنم. شیوه آزمایش و اندازه‌گیری و نمونه‌گیری و آزمایش چیست؟ از چه آزمونی استفاده می‌کنم و بحث‌هایی که در دنیا شده و در کتب تجربی آمده. پس متغیر اندازه‌گیری جامعه آماری نمونه آماری شیوه طرح آزمایش انواع طرح‌ها و اندازه‌گیری‌ها و میانگین و واریانس و طرح‌های توصیفی و آزمون‌های مورداستفاده که آنوا یا زد یا خیدو باشد آزمون‌های متغیر یک عاملی یا چندعاملی باشد یعنی روش به معنای دوم. چگونگی استفاده از منبع برای شناخت و تحقیق. با این بحث خودمان دوستان خوب توجه کنند. وقتی می‌گویم در فقه تربیتی منبعم این است که باید سراغ متون دینی قرآن و روایات برم چطور از قرآن و روایت استفاده می‌کنید تا جواب سؤالات را بدهیم تا مجهولات را حل کنید؟ مثلاً رساله دکتری داریم وظایف والدین در تربیت جنسی فرزندان. حال تربیت جنسی محدود کنیم کودک عقلانی اخلاقی و عبادی‌اش. لذا روش به معنای دوم به این معناست که من در استفاده از منبع چه مراحل و گام‌هایی باید طی کنم؟ یعنی فرایند بهره‌وری از منبع چگونه باید باشد. روش میدانی و همبستگی هم داریم چه طور؟ کاری که فقیه از مواجهه با مسئله تا پاسخ دادن به مسئله بر اساس متون دینی می‌کند. پنج دقیقه این را میگویم بعد برخی اشکالاتی که دوستان دارند جواب سریعی داده می‌شود. روند عامی داریم که می‌گوییم اول فقیه باید موضوع شناسی کند بعد سراغ متون دینی رود بعد سراغ کلام‌هایی که احتمال می‌دهد درباره آن موضوع در دین واردشده باشد بعضی گامی وسط این‌ها هم میگویند مثلاً شهید صدر می‌گوید بعد موضوع شناسی می‌گوید باید ببینیم کارشناسان غیردینی چه می‌گویند چه بایدها و نبایدهایی است. سراغ دین می‌رویم. اولین کار اینکه یک پژوهشگر می‌گوید باید سراغ پاسخ به سؤالات برود باید سراغ ادله برود یا کلام‌هایی که او را یاری می‌کنند تا به سؤالاتش جواب دهند که به آنها دلیل یا ادله می‌گویند.

یادتان نرود سراغ قرآن آیه و روایت پیدا کردن می‌رویم. این دلیل پیدا کردن مشکل است. اول باید سراغ جاهایی برویم که احتمال می‌رود جواب در آنها باشد. پس باید اول به سراغ جمع‌آوری ادله برویم. ادله تفاوت‌هایی دارند فرق‌های جدی دارند منتها ما چون تعمیم می‌دهیم می‌توانیم به سراغ سیره معصوم یا ادله عقلاییه برویم. بحث دیگری است که سیره‌ای در زمان خودمان پیدا کردیم و در زمان معصوم هم بوده ولی ردع نکرده می‌توانیم بگوییم از این سیره‌ها استفاده کنیم به‌عنوان سیره عقلانی که معصوم ردع نکرده. پس گام اول مجموعه کلام‌ها و شواهدی از متون‌اند که می‌توانند ما را یاری دهند که به آن مجهولمان پاسخ دهیم. این‌یک گامی است که شما دیده‌اید. در لمعه و مکاست فقها همین کار را می‌کنند. در مواردی اگر کلام پیدا نشد سراغ عقل می‌رویم. گزاره‌های حکمی که تکلیف را می‌گویند. هرکدام از این‌ها نیازی دارند.

ادله نقلی روایی حتماً نیاز به بررسی سندی دارد. در دلیل اول که گفتم ادله یابی شرایطش را در فرصتی خواهم گفت. فعلاً رویه‌هایی که فقها انجام می‌دهند را در فقه تربیتی همین گام‌ها را باید برویم اما با تفاوت‌هایی که حتماً باید اشاره شود. قران احتمال جدی به صدورش داریم. بعد سراغ شواهد برویم. سخت‌ترین کار روش تحقیقی که بر اساس متون انجام می‌گیرد این است که تلاش کنیم فهم کلام کنیم فقه یعنی همین. فهم کلام بحث‌های متعددی دارد. سمانتیک (معناشناسی) می‌خواهد سینتکتیک (نحو و ساختار شناسی) می‌خواهد معنای کلام را باید دست بیاوریم جمله قرینه‌ها و چیزهای بعد. تا کشف دلالت یا معنا و مفهوم مراد شارع شود. مراد استعمالی و مراد قطعی. اینجا بحث سخت اجتهاد است که تلاش‌های جان‌فرسایی علاوه بر متن پیرامون متن هم بگوییم. شرایط صدور فضای نزول موقعیت‌هایی که در آن هست مخاطب شناسی که باید انجام شود بحث‌های بسیار گسترده‌ای است. بعد از پی بردن به مراد شارع یا متن باید گام بعدی را برداریم. چون این‌ها کلام‌های متعددی بود باید جمع شود و تعارضات حل شود. در مواردی تعاضد است عام و خاص و مطلق و مقید در حکم خیلی مشکل‌تر است. جان‌فرسا نیست ولی ساده‌انگاری هم خیلی خطرناک است. ساده‌انگاری در مطالعات دینی باعث هرج‌ومرج می‌شود. شواهدی در بعضی محیط‌ها می‌بینیم. در عین نترسیدن نباید ساده‌انگاری کنیم.

نکته‌ای که باید در پژوهش‌های فقهی حکمی بگویم این است که احکام الهی پنج دسته‌اند. در مطالعات فقه تربیتی باید توجه کنیم با توجه به رویه رایج فقه عاممان فقط سراغ احکام الزامی یعنی واجب و منهی نرویم بلکه مستحبات و مکروهات هم خوب و بد تلقی می‌شوند. باید کارکنیم کار بسیار جدی حتی جایی که در راستای مباح می‌آید. این جمع‌بندی بحث است. به‌طورکلی فقه تربیت دانشی است که عرض کردم. روش به دو معنای کلی به معنای شناخت منبع و روش به‌عنوان چگونگی استفاده از منبع برای پاسخ‌دهی به سؤالات و مجهولات.

# کلام آخر

در کلام آخر چیزی که برای سروران عزیز در این جلسات غیرحضوری حضور داشتند در چند جمله کوتاه بگویم. برادران عزیز زندگی مایکی از جدی‌ترین نیازهایش بعد از بحث تربیت خودمان تربیت میل داشتن فرزند است. وقتی این میل به کمال‌گرایی رسید به فرزند پروری می‌رسد. لذا اولین توصیه این است که حتی اگر دوستان عزیز رشته فقه تربیتی نمی‌آیید مطالعات فقه تربیتی‌تان را گسترده کنید. در جامعه مواجهیم باکسانی که پدر شدند ولی چون تجربه و دانش لازم نداشتند توفیق تربیت فرزند صالح پیدا نکردند. لذا خیلی جدی می‌گویم که از حیطه‌های مطالعاتی‌تان باشد که هیچ‌گاه فراموشش نکنید.

نکته دوم که می‌گویم این است که اگر کسانی می‌خواهند در فضای عام حوزه باقی بمانند بحث طهارت و صلات می‌پردازید در مطالعات سنتمان به هر دلیلی در بابی از ابواب توسعه‌های خوبی دادیم اما در بقیه ابواب ندادیم. آنهایی که حوصله دارید قسمتی از زندگی‌تان را روی مباحثات تربیتی بگذارید. من با بسیاری بزرگان مراجع صحبت داشتم این مسئله خوب وقتی توضیح می‌دهیم غصه خوری دارد. لذا آنهایی که آمادگی دارید بحثتان را در باب تربیت توسعه دهید.

نکته آخر اگر در جامعه‌ای وارد شدید در هر فرهنگی چه تمدن سخت که چشم را خیره می‌کند یا تمدن نرم که قلب را می‌رباید در جامعه‌ای شایستگی اخلاقی دیدید نگاه تمدنی دیدید یک جمله را فراموش نکنید این جامعه تربیت‌یافته است. اگر جامعه تربیت شد بشر توفیقی پیدا می‌کند که حیاتش زیست پاک و طیبه می‌شود. اگر میل دارید جامعه پیشرفته و بافرهنگ داشته باشید راه دیگری نداریم جز اینکه مطالعات تربیتی‌تان را تعمیم دهیم این مدارس ما کاستی‌های نسبتاً جدی دارد که برمی‌گردد به حوزه‌ای که در فقه بسیاری از ابواب توسعه دارد در بحث طهارت بسیار بوده اما در حوزه‌ای که باید همه تلاش‌ها را بکند بنیادین‌ترین محور مطالعاتش که محور مطالعات تربیتی و اخلاقی بوده فراموش‌شده است. خلاصه علیکم بالجد و الجهد در این موضوعات. کارکنید تدریس کنید. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته.

انشاء الله راه ارتباطی موسسه که برقرار کرده تلفن بنده است. با گروه ما هم آشنا شوید. خدانگه‌دار.

چند نکته خدمت دوستان:

برخی سؤالات دوستان خیلی اشتباه بود. مثلاً آیا دانش و علم فرق دارد یا نه. سایسنس یعنی علم تجربی. یا برخی موارد دیگر. دیدم همه سؤالات هم را می‌دهند. شماره همراه استاد را داخل گروه می‌گذاریم یا ایتای ایشان را قرار می‌دهیم. 09127476856

نزدیک 78 نفر ثبت‌نام داشتیم حداکثر 54 نفر در کلاس شرکت کردند. حدود ده‌نفری پنج‌شنبه‌ها نمی‌توانند بعضی هم چهارشنبه بعدازظهر نمی‌توانند. پیامک نمی‌دهیم در ایتا چک کنید. به‌جای امتحان تحقیق می‌دهیم.